

نگاه
تحلیلی

زمینه سازی برای حمله به ایران

اسرائیل با چه هدفی حمله گسترده به جنوب لبنان را آغاز کرد؟

شامل حزب الله، حماس و حوثی‌ها در یمن می‌شود. از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از برجام، موافقتنامه‌ای که تهران براساس آن توافق کرده بود برنامه هسته‌ای خود را محدود کند، خارج شد، ایران اساساً به یک کشور در آستانه رسیدن به سلاح هسته‌ای تبدیل شده است. اسرائیل تاکنون بارها از آمریکا خواسته است که علیه تاسیسات هسته‌ای ایران حمله کند یا اینکه از چنین حمله‌ای توسط اسرائیل حمایت کند، اما با واکنش سرد واشنگتن مواجه شده است. یکشنبه هفته پیش، اسحاق هرترزگ، رئیس‌جمهور اسرائیل در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی اسکای نیوز از ایران با عنوان «امپراطوری شیطان» یاد کرد و گفت که اسرائیل هر تهدیدی را که علیه موجودیت‌اش تلقی کند از میان بر خواهد داشت. بیان این اظهار نظر از سوی هرترزگ که چندان حامی نتانیاهو تلقی نمی‌شود، حمایتی بی‌سابقه از نتانیاهو به حساب می‌آید.

برای کشورهای که تلاش می‌کنند جلوی یک جنگ منطقه‌ای را بگیرند، نگرانی این است که حمله اسرائیل به لبنان ابزاری از سوی اسرائیل باشد تا گزینه حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران را در آینده برای خود ایجاد کند. اسرائیل با از بین بردن شبکه ارتباطی حزب الله لبنان از طریق انفجار پیجرها، باعث از بین رفتن انسجام این گروه به عنوان یک نیروی مبارز شد و این گزینه را در مقابل اسرائیل قرار داد که با حمله به لبنان این گروه را بیش از پیش تضعیف کند. اسرائیل ممکن است امیدوار باشد تا به اندازه‌ای در ماه‌های آینده حزب الله را تضعیف کند که بتواند بدون نگرانی خاصی نسبت به مرزهای شمالی به ایران حمله کند.

تحلیل‌گران معتقدند که احتمالاً اسرائیل بدون توجه به نتیجه انتخابات پیش روی آمریکا حمله به ایران را عملی کند و امیدوار باشد که در صورت انتخاب ترامپ از حمایت دولت آمریکا بر خوردار شود یا اینکه در صورت نیاز محکومیت‌های صادر شده از سوی دولت احتمالی هریس را تحمل کند.

اما چنین راهبردی بسیار مخاطره‌آمیز است. تشدید تنش در شمال شرقی، باعث نمی‌شود که جنگ در غزه به پایان برسد. به گفته مقام‌های غربی گفت‌وگوها با حماس برای یک آتش‌بس و آزادی گروگان‌ها به خوبی پیش نمی‌رود. هر دو طرف به تازگی شرط‌های جدید گذاشته‌اند: اسرائیل می‌خواهد که کنترل گذرگاه فیلالدلیا را در مرز غزه و مصر در اختیار داشته باشد و حماس خواهان آزادی تعداد بیشتری از اسرای فلسطینی است. بدون رسیدن به یک آتش‌بس و توافق به مسیر مشخصی برای تشکیل یک کشور فلسطینی، این نگرانی وجود دارد که اسرائیل بیش از پیش حمایت بین‌المللی را از دست بدهد. علاوه بر این، توسعه جنگ باعث می‌شود تا پاداش دیپلماتیکی که جلوی چشمان اسرائیل وجود داشت، دور از دسترس تر از گذشته شود: عادی سازی روابط با عربستان سعودی و از آن طریق استفاده از کمک‌های همسایگان برای مهار تهدید ایران.

ترجمه: شهاب‌شهرسوزی

همچنان در روستاهای مناطق مرزی با اسرائیل مستقر هستند و عملیات نظامی اسرائیل در خاک لبنان کار آسانی نخواهد بود. حملات موشکی به تنهایی نمی‌تواند باعث فتح سرزمین شود و باعث می‌شود - همانگونه که اکنون شاهد هستیم - حزب الله در واکنش، حملات موشکی به اسرائیل انجام دهد.

محاسبه‌های سیاسی

تحلیل‌گران معتقدند که علاوه بر تلاش برای تضعیف حزب الله ممکن است عوامل سیاسی کوتاه مدت دیگری هم انگیزه این حملات باشد. نتانیاهو به دلیل رسیدگی به پرونده‌های اتهامی فساد در دادگاه تحت فشار است. بسیاری معتقدند وضعیت منازعه بی‌پایان برای نتانیاهو یک وضعیت ایده‌آل است که به او اجازه می‌دهد در قدرت باقی بماند و احضار به دادگاه برای شهادت را به تأخیر بیندازد. در عین حال این ایده که در همه جهات دشمنانی حضور دارند، به اعضای تندرو کابینه او، به ویژه بصلنل اسموریتج، وزیر دارایی و ایتمار بن گویبر، وزیر امنیت ملی، اجازه می‌دهد که به فشار برای توسعه شهرک‌ها و جاده‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در کرانه باختری ادامه دهند. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون، کابینه اسرائیل مجوز توسعه سریع این شهرک‌ها را که از نظر قوانین بین‌المللی نامشروع هستند، صادر کرده است. بر اساس آمار نهاد «صلح همین الان» که یک گروه مردم‌نهاد اسرائیلی رصد شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی است در طول نزدیک به یک سال گذشته مجوز ساخت ۵ شهرک جدید صادر شده است و ۲۵ منطقه مسکونی (شهرک‌های بدون مجوز) غیرقانونی جدید ایجاد شده‌اند. براساس این آمار اسموریتج اجازه داده است که ۷۰ منطقه مسکونی غیرقانونی (شهرک‌های بدون مجوز) از منابع عمومی دولت استفاده کنند و به شبکه آب و برق وصل شوند و از امکان آسفالت جاده‌ها بر خوردار شوند.

دیوید لمی، وزیر خارجه بریتانیا، یکشنبه هفته گذشته در گفت‌وگو با چشم‌هاوس در کنفرانس حزب کارگر خبر داد که کشورهای اروپایی در حال بررسی اعمال تحریم علیه اسموریتج و بن گویبر هستند. قطعاً تحریم وزرای کابینه اسرائیل که با رای شهروندان انتخاب شده است از سوی بریتانیا و اتحادیه اروپا که متحدان اسرائیل تلقی می‌شوند، اقدامی جنجالی خواهد بود. اما نگرانی اصلی این کشورها این است که اسرائیل از جنگ در غزه و حالا جنگ در لبنان با این هدف استفاده کند که توجه بین‌المللی را از تجاوزش به کرانه باختری منحرف کند.

حمله به ایران؟

اما ممکن است یک انگیزه راهبردی بزرگ‌تر پشت تصمیم اسرائیل برای حمله به لبنان در شرایط کنونی وجود داشته باشد. اسرائیل ممکن است که مستقیماً بخواهد به ایران، به عنوان رهبر محور موسوم به مقاومت حمله کند که



برانون مدوکس
مدیر اجرایی اندیشکده
چتم‌هاوس

در شرایطی که حملات اسرائیل به لبنان افزایش پیدا می‌کند، سوال در مورد انگیزه‌های راهبردی اسرائیل جدی تر می‌شود. دولت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل تصمیم گرفته است که منازعه را با حزب الله در مرز شمالی تشدید کند، آن هم در شرایطی که جنگ با حماس در غزه هنوز به نتیجه نرسیده است و همزمان خشونت در کرانه باختری، از جمله از سوی شهرک‌نشینان اسرائیل در حال افزایش است. چرا اسرائیل دست به چنین اقدامی می‌زند؟ اغلب توجیه‌هایی که بیان می‌شود این است که اهداف اسرائیل تاکتیکی است و هدف‌های منفرد را پیش از آنکه جدی شوند، از بین ببرد. به نظر نمی‌رسد هیچ استراتژی پنهانی برای رسیدن به صلح نهایی وجود داشته باشد. در برابر برخی اظهار نگرانی می‌کنند که هدف اسرائیل این باشد تا زمینه‌های برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران فراهم کند.

وزیران اسرائیل با بیان این نکته که تمایل فوری به حل و فصل شرایط در مرزهای شمالی وجود دارد، حمله به لبنان را توجیه می‌کنند. حدود ۶۰ هزار نفر از شهروندان اسرائیلی به دلایل حملات راکتی حزب الله به اضافه نگرانی‌ها از حمله و آدم‌ربایی مشابه ۷ اکتبر، تاکنون از خانه‌های خود در اطراف مرزهای شمالی آواره شده‌اند. می‌توان این توضیح را تا حدودی در ظاهر پذیرفت. فشار سیاسی برای حل مسئله ساکنان آواره مرزهای شمالی در اسرائیل در حال افزایش است، هر چند برای کسانی که خارج از اسرائیل زندگی می‌کنند، این مسئله چندان آشکار نیست. شدت این فشارها در آستانه نخستین سالروز حملات ۷ اکتبر در حال افزایش است. وزیران اسرائیلی می‌گویند که برای اسرائیل قابل قبول نیست که استفاده از سرزمین‌هایش را به این سادگی تسلیم کند. در عین حال مشکل است شرایطی را تصور کنیم که بدون اقدام نظامی از سوی اسرائیل برای عقب راندن حزب الله از نزدیکی مرزهای شمالی به شکل قابل توجه، امکان بازگشت شهروندان اسرائیلی به محل سکونت‌شان در شمال وجود داشته باشد. فرماندهان نظامی اسرائیلی با اطمینان از یک یورش سریع برای عقب راندن حزب الله سخن می‌گویند. اما حملات پیشین اسرائیل به جنوب لبنان نشان داده است که چنین نقشه‌هایی همواره پاک و بدون مشکل اجرایی شوند.

حمله قابل توجه دو هفته پیش از طریق پیجرها در لبنان و سوریه که باعث شد تعداد زیادی از فرماندهان کلیدی حزب الله کشته یا مجروح شوند، باعث شد که بخش بزرگی از مسیرهای ارتباطی گروه از بین برود. اما نیروهای حزب الله

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

GPF
GEOPOLITICAL
FUTURES

پارادوکس‌های کارزار اسرائیل علیه حزب الله



کامران بخاری
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

در طول روزهای گذشته نیروی هوایی اسرائیل صدها حمله علیه مواضع حزب الله در لبنان انجام داده است. فقط روز ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۰ نفر مجروح شدند و ده‌ها هزار نفر آواره شدند. این اقدام نظامی درست پس از آن اتفاق افتاد که اسرائیل از طریق یک عملیات اطلاعاتی هزاران پیجر و بیسیم نیروهای حزب الله را منفجر کرد. بر اثر این حمله ۴۰ نفر کشته شدند و بیش از ۳۰۰۰ نفر مجروح شدند. تا همین جندی پیش احساس می‌شد که اسرائیل از همه سو تحت حمله قرار دارد. از زمان آغاز حمله به غزه در اکتبر سال گذشته، اسرائیل از سوی حزب الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و شبه‌نظامیان شیعه در سوریه و عراق تحت حمله قرار گرفته است. این حملات باعث شد تا اسرائیلی‌ها تصور کنند حمله ۷ اکتبر فقط بخشی از یک نقشه وسیع از سوی ایران برای حمله به اسرائیل بود. با این حال اسرائیل تمایلی به توسعه حملات نشان نمی‌داد. حزب الله، قدرتمندترین متحد عرب ایران، که به لحاظ جغرافیایی بسیار به اسرائیل نزدیک است، مهم‌ترین چالش محسوب می‌شد. حملات این گروه که از ۸ اکتبر آغاز شد، باعث آواره شدن ۶۰ هزار اسرائیلی از خانه‌های‌شان در مناطق شمالی شد. اسرائیلی‌ها گهگاه به این حملات پاسخ می‌دادند، اما تمرکز اصلی بر غزه بود. این نگرانی وجود داشت که اگر اسرائیل حمله گسترده‌ای به لبنان انجام دهد، نتایج‌اش واکنش نظامی ایران باشد. در نتیجه استراتژی اسرائیل این بود که با هدف قرار دادن برخی از فرماندهان حزب الله این گروه را در حالت بی‌ثباتی نگه دارد. همزمان اسرائیل راهبرد مشابهی را در مقابل ایران در پیش گرفت و تلاش کرد تاسیسات فرماندهی و کنترل نیروهای قدس سپاه ایران را هدف قرار دهد. اسرائیل تصور می‌کرد که هدف قرار دادن پدرخوانده، یک اقدام پیش‌گیرانه محسوب شود. این رویکرد باعث شد تا اسرائیل به مجموعه دیپلماتیک ایران در دمشق حمله کند که باعث کشته شدن چندین فرمانده نیروی قدس شد. این حمله باعث شد ایران مستقیماً وارد عمل شود، اقدامی که ایران تمایلی به انجام آن نداشت، چرا که ممکن بود محدودیت‌های نظامی‌اش را آشکار کند. زمانی که روز ۱۳ آوریل ایران ۳۰۰ موشک و پهپاد علیه اسرائیل شلیک کرد و آسیب‌ناچیزی به بار آورد، این محدودیت‌ها آشکار شد. این واقعه باعث شد تا بسیاری از نگرانی‌های اسرائیل از یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای با ایران بر طرف شود، چرا که ثابت شد توانمندی‌های متعارف ایران چندان قدرتمند نیست. (درست به همین انگیزه است که ایران اساساً از نیروهای نیابتی منطقه‌ای استفاده می‌کند) اسرائیل دو تیپ ذخیره را برای حمله زمینی احتمالی به جنوب لبنان فراخوانده است. احتمالاً این چیزی نیست که با توجه به جنگ ۲۰ ساله اسرائیل در جنوب لبنان که از ۱۹۸۲ آغاز شد، اسرائیل تمایلی به آن داشته باشد. (فراموش نکنیم که در جنگ ۲۰۰۶ هم اسرائیل توانست حزب الله را شکست دهد) اما این چیزی است که حزب الله قطعاً از آن استقبال می‌کند، چرا که این گروه در جنگ‌های چریکی تجربه بسیار بیشتری دارد. اشغال جنوب لبنان، به حزب الله اجازه می‌دهد که بار دیگر جایگاه خود را به عنوان یک گروه مقاومت بهبود دهد. پارادوکسی که به صورت ذاتی در عملیات تهاجمی هوایی اسرائیل وجود دارد این است که هر چند این حمله می‌تواند ضعف‌های اساسی ایران را نمایان کند که در غیاب این حملات توفیق زیادی داشت، در عین حال باعث می‌شود محیط راهبردی اسرائیل تضعیف شود. این وضعیت با فشار هر چه بیشتر جامعه بین‌الملل بر اسرائیل برای توقف خصومت‌ها بدتر هم خواهد شد. ممکن است که ایران و حزب الله به دلیل پیچیدگی‌های فنی حمله پیجری اسرائیل غافل گیر شده باشند، اما آنها از گذشته‌های دور با توانایی‌های آشکار اسرائیل آشنایی داشتند و هیچ‌یک از آنها تمایلی به عقب‌نشینی نشان نمی‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد که تصور ایران و حزب الله این است که می‌توانند در مقابل حملات انتقامی اسرائیل تا زمانی که جامعه بین‌المللی اسرائیل را وادار به توقف کند، دوام بیاورند. سوال اینجاست که آیا اسرائیل می‌تواند کاری کند که ایران و حزب الله را پیش از تشدید بیشتر تنش، وادار به عقب‌نشینی کند؟

